

شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار

گزارش کنسول ابوت از اقتصاد و جامعه ایران
۱۸۶۶-۱۸۴۷ م.

نوشته
کیم دورد ابوت

ترجمه
سید عبدالحسین رئیس اسنادات



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۶

سرشناسه: ابوت، کیت ادوارد.

Abbott, Keith Edward

عنوان و نام پدیدآور: شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار: گزارش کنسول ابوت از اقتصاد و جامعه ایران (۱۸۶۶-۱۸۴۷) / نوشته کیت ادوارد ابوت؛ ترجمه سیدعبدالحسین رئیس‌السادات.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۳۴ ص: جدول، نمودار.

شابک: 978-964-09-1890-3

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: عنوان اصلی: Cities & Trade: Consul Abbott on the Economy and Society Of Iran, 1847-1866.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: گزارش کنسول ابوت از اقتصاد و جامعه ایران (۱۸۶۶-۱۸۴۷).

موضوع: ایران -- اوضاع اقتصادی.

موضوع: ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق.

موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق.

موضوع: ایران -- بازرگانی -- تاریخ.

موضوع: ایران -- اوضاع اقتصادی -- ۱۳۱۳-۱۳۲۴ ق.

شماره افزوده: رئیس‌السادات، سیدعبدالحسین، ۱۳۲۲-، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۹۵ ش ۱۸۵ الف / HC ۴۷۵

رده‌بندی دیوید: ۳۳۰/۱۰

شماره کتابخانه ملی: ۴۵۲۶۰۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰۰-۱۸۹۰-۳

این کتاب ترجمه‌ای است از
Consul Abbott, Cities & Trade: Consul Abbott on the Economy and Society Of Iran,
1847-1866, London: Oxford University, 1983.



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار

© حق چاپ: ۱۳۹۶، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نوبت چاپ: اول

نویسنده: کیت ادوارد ابوت

مترجم: سیدعبدالحسین رئیس‌السادات

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: مبترا ۱۳

چاپ و صحافی: اسپید، تلفن: ۸۸۸۴۲۷۶۵۶

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۳۲۰۰۰۰ ریال

تلفن مرکز فروش: ۲۱۶۱۲۸-۰۲۱

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۱۱	سخن مترجم
۱۵	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۴۹	یادداشت‌ها
۵۸	ضمیمه اول: برخی کتاب‌ها، منسوخه‌های پیرامون تاریخ اقتصادی و ...
۶۰	ضمیمه دوم: کتاب‌شناسی منابع فارسی
۶۲	ضمیمه سوم: گزارش‌ها، مکاتبات و مقالات کی‌ای. ابوت
۶۹	گزارش
۷۶	گزارش دیداری که از کوره‌های آهن در بخش نور انجام شد
۷۷	راه از ساری به اشرف از طریق پل نکا
۷۹	یادداشت‌های متمم در مورد مازندران
۸۱	پیمایش زمین در مازندران
۸۲	محصول برنج
۸۲	خراج زمین
۸۳	نیروی نظامی در مازندران
۸۷	هزار جریب
۸۷	یادداشت‌های اضافه شده در مورد استرآباد
۹۹	راه‌ها از مازندران و استرآباد، با گذر از کوه‌ها به سمت عراق [عجم] و غیره
۱۳۷	سفری از ساری به تهران (جاده فیروزکوه)
۱۴۵	اطلاعاتی در مورد معادن و رگه‌های معدنی و غیره
۱۴۷	گزارش بازرگانی: یادداشت‌هایی در مورد بازرگانی، محصولات کارگاهی
۱۴۷	و تولیدات کشاورزی
۱۴۷	کاشان
۱۴۹	اصفهان
۱۵۱	یزد

۱۵۵	کرمان
۱۵۹	شیراز و فارس
۱۶۲	محمره
۱۶۶	کرمانشاه و همدان
۱۶۷	خلاصه‌ای از گزارش گذشته
۱۷۱	اصفهان
۱۷۶	یزد
۱۸۱	از تبریز و تهران
۱۸۱	کرمان
۱۸۴	فارس
۱۹۰	نرخ حمل و نقل
۱۹۱	پیشگام
۱۹۳	برداشت‌های عمومی و ارقام شهرها و مناطق مختلفی که آقای کنسول
۱۹۳	کاشان
۱۹۶	اصفهان
۲۰۲	گزارشی از شهر و منطقه
۲۰۷	ضمیمه شماره ۱ مربوط به گزارش
۲۱۱	ضمیمه شماره ۲ بر گزارش یزد
۲۱۳	ضمیمه شماره ۲ به گزارش یزد
۲۱۴	ضمیمه شماره ۴ به گزارش یزد
۲۲۵	ضمیمه شماره یک برای الصاق به گزارش کرمان
۲۲۶	ضمیمه شماره ۳ به گزارش کرمان
۲۳۵	حومه شهر کرمان
۲۳۶	ضمیمه شماره ۲ به گزارش کرمان
۲۳۷	گزارش شهر شیراز و ایالت فارس
۲۴۲	ضمیمه شماره ۱ به گزارش فارس
۲۴۸	بخش شولستانات و قبایل ممسنی
۲۴۹	بخش گرمسیر پایین
۲۴۹	توابع فارس
۲۵۱	رامهرمز
۲۵۲	بخش‌های متعلق به حکومت بندرعباسی
۲۵۳	ضمیمه شماره ۲ بر فارس
۲۵۳	ضمیمه شماره ۳ بر فارس
۲۵۶	ضمیمه عمومی: راه‌های گوناگون و نرخ حمل و نقل
۲۶۰	برخی فاصله‌ها
۲۶۹	اسامی پرنده‌گانی که در سفر دیدم و به‌خاطر سپردم

۲۷۱	یادداشت‌هایی پیرامون آذربایجان
۲۸۹	ضمیمه: بخش‌های آذربایجان
۲۸۹	تبریز
۲۹۰	خوی
۲۹۱	ارومیه
۲۹۲	مراغه
۲۹۳	سوق بولاغ و غیره
۲۹۳	قره‌داغ
۲۹۳	اردبیل
۲۹۴	خلخال
۲۹۴	گزارشی از قاسم ساکن در آذربایجان
۲۹۹	اوزان و اندازه‌ها در آذربایجان ایران
۳۰۱	ایران / تبریز
۳۰۱	نکات و اظهارات آقای سرکنسول ابراهیم پیرامون تجارت تبریز برای سال منتهی به ۲۰ مارس ۱۸۶۳
۳۰۵	گزارش آقای کنسول ابراهیم پیرامون بازرگانی و تجارت برای سال ۱۸۶۴
۳۰۸	گزارشی از آقای سرکنسول ابراهیم پیرامون بازرگانی و تجارت تبریز برای سال ۱۸۶۵
۳۱۲	گزارشی از آقای سرکنسول کیثرت در مورد بازرگانی و تجارت تبریز برای سال ۱۸۶۶
۳۲۱	نمایه

سخن مترجم

اینکه فایده علم تاریخ چیست، بزرگان در دیگر کتاب‌ها دلایلی اقامه کرده‌اند و کتابی که در دست دارید یکی از رزترین نمونه‌های همه آن محاسنی است که برای یک کتاب تاریخ ذکر کرده‌اند. از لایه‌لای مطالب طرح شده در بدترین نوع کتاب‌های نگاشته شده‌ای سرشار از چاپلوسی و تملق و توجیه حاکمان و حاکم‌ها را بی‌گمان می‌توان کورسوهایی گرد آورد تا با آن به کیستی گذشته یک ملت پی برد و ریشه حوادث و خطاییر جامعه‌ای را پی گرفت.

مطلبی را که مایلیم در اینجا و در مورد این گونه نو سندن و کتاب‌ها بنویسم این است که برخی تصور می‌کنند تنها وابستگان به دربارهای ایرانی بودند که زبان قلم خویش را اعم از تاریخ یا شعر و ادبیات و ... در ابراز واقعیت‌ها بریده و آن را به ابزاران و حکام، مقام بدل کرده‌اند؛ درحالی‌که این ویژگی بشر است، ایرانی باشد یا غیرایرانی، شرقی باشد یا غربی، معاصر ما باشد یا معاصر نسل‌های پیش یا پس از ما. برای نمونه ضمن تأکید بر سود فراوانی که کتاب حاضر برای بسیار روشن کردن بخشی از تاریخ ایران دارد و از این نظر بایستی سپاسگزار باشیم، نیز گردآورنده بود، توجه خواننده را به انشای نامه‌های کوتاهی که آقای ابوت به بالادستی‌های محلی می‌نویسد و نیز خطاب‌هایی را که برای دولت متبوع خویش به کار می‌برد، جلب می‌کنم.

تصویری از کتاب حاضر و گزارش مأمور سیاسی انگلیسی دیگری^۱ را، که به حق از منابع بسیار ارزشمند تاریخ ایران دوره قاجار هستند، پژوهشگر دانشور و دوست عزیزم جناب استاد آقای دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد در اختیارم گذاشتند و مرا تشویق به ترجمه آن‌ها برای انتشار نمودند. با توجه به اهمیت کتاب‌ها همان زمان کار ترجمه انجام شد ولی متأسفانه دست‌نویس‌ها به حادثه‌ای دچار

۱. آقای هارفورد جونز - نخستین سفیر و وزیر مختار انگلیس در دربار ایران - که ترجمه و مؤسسه محترم انتشاراتی امیرکبیر آن را در شهریور ۹۵ منتشر کرده است.

و ناپدید شدند. تقدیر چنین بود که پس از چندین سال وقفه مجدداً به ترجمه آن‌ها بپردازم و انتشارات محترم امیرکبیر کار چاپ و نشر آن را عهده‌دار شود.

هرچند با مسلکی که گردآورنده محترم کتاب را بدان منتسب می‌کنند شدیداً مخالفم، اما ایشان در مقدمه ارزشمند و محققانه خویش به اندازه کافی به مشخصات و تا حدودی شخصیت نویسنده گزارش‌ها، آقای کیث ادوارد ابوت، و محتوا و منافع آن‌ها پرداخته‌اند. بنابراین به ذکر مطالبی چند پیرامون کار ترجمه بسنده می‌کنم. اگرچه نوشتن این نکته خالی از لطف نیست که اثر حاضر در عین اینکه جذابیت یک کتاب تاریخ را دارد، کتابی است تخصصی در اوضاع اقتصادی - اجتماعی، جغرافیای تاریخی ایران دوره قاجار.

رجاء علی در مقدمه کتاب آمده و نشانی کتاب‌هایی داده شده بود که ضمن ترجمه بخش اعظم آن‌ها، عباداً در بررسی و بن آورده شده‌اند تا پژوهشگران، به‌ویژه جوانان رشته‌های تاریخ، علوم سیاسی، اقتصاد و ... این منابع را پیدا، بررسی و احیاناً به فارسی برگردانند و بر منابع تاریخی ایران بیافزایند. در این زمینه در بخش ضمیمه ۳ مطالبی با عنوان اصلی «اسناد و گزارش‌های وزارت خارجه» ارائه شده است. شماره اصلی این گزارش‌ها و اسناد ۶۰ است. بنابراین زیر این شماره اصلی ممکن است شماره‌های فرعی آمده باشد که کاملاً به ترتیب نیستند و بین آن‌ها فاصله است. شماره‌هایی که در اصل کتاب هم آورده نشده‌اند مربوط به مکاتبات و گزارش‌های دیگر نمایندگان بریتانیا هستند.

ظاهراً اصل گزارش‌ها دست‌نویس بوده و بعداً تایپ شده‌اند. به همین خاطر ماشین‌نویس توانسته درست بخواند و حرفی به جای حرف دیگر نوشته شده: به طور مثال u, n و $g, p, q, m, n, \&, n$ و حتی u, n این اشتباهات نه تنها در نام‌های فارسی بلکه در کلمات انگلیسی هم پیش آمده که هر اشتباه وقت زیادی را از مترجم گرفت تا بتواند به کلمه واقعی پی ببرد.

اگرچه تلاش و تحقیق شد نام‌ها، به‌ویژه نام مکان‌ها صحیح برگردانده شود ولی برای نمونه حرف k برای تلفظ «ک، ق و خ» استفاده شده و به همین خاطر ممکن است نام‌های دهکده‌ها یا روستاها یا مکان‌ها و افراد غیر مشهوری اشتباه نوشته شده باشد. چنین است در کاربرد z, s, gh و ck و ch . سیاست‌گذار خواه‌م شد در این زمینه تذکرات خوانندگان ارجمند را برای چاپ‌های بعدی کتاب دریافت کنم.

۱. و اگر این انتساب در مورد ایشان مثل برادرشان حقیقت داشته باشد در شگفتم تاریخ‌دانی که به‌ویژه تخصص وی دوره قاجار است چگونه ممکن است آزاداندیش باشد و در عین حال وابسته دل‌بسته به مسلکی که کاملاً روشن است همراه و هم‌زمان و در کنار وهابیت و قادیانیت ساخته و پرداخته استعمار انگلیس در آن دوران و امروز برخوردار از پشتیبانی جدی امریکا و به‌خصوص رژیم صهیونیستی است.

از خراج و عوارض، که مرسوم بوده است، به جای مالیات، حاکم به جای استاندار یا فرماندار، ولایت و ایالت به جای استان و... استفاده شده است. دو واژه village و hamlet برای روستا و دهکده استفاده شده است.

آنجا که لازم بوده است از سوی مترجم چیزی به متن افزوده شود داخل [] آمده است. داخل () از نویسنده یا گردآورنده است. در قسمت مقدمه ارجاعاتی داخل () آمده که در پایان، توضیح مربوطه آورده شده است.

نویسنده در جاهایی به اظهارنظر در مورد مردم برخی شهرها پرداخته که به نظر می‌رسد بعضاً متأثر از اخبار، درستی است که دریافت کرده یا برداشت از افراد یا گروهی از شهر یا ایل و قبیله را به عموم ترویج داده است. باین حال برای حفظ امانت و نیز آگاهی خوانندگان از نگاه بیگانگان به هموطنانمان در حدود دو قرن قبل به همان صورت به فارسی برگردانده شدند.

وظیفه خویش می‌دانم که عزیزانم در مؤسسه محترم امیرکبیر که زحمت انتشار این اثر را عهده‌دار شدند؛ خانواده‌ام و به‌ویژه دهم‌زاده که زحمات مرا تحمل کردند؛ از خانم سکینه اصلان‌زاده که زحمت تایپ کتاب را برعهده داشتند همه‌آنان که پس از این مرا در کامل شدن و رفع معایب این کتاب راهنمایی خواهند فرمود سپاسگزارم.

پیشگفتار

هر سه پژوهشی که در این مجلد آمده‌اند از جمله گسترده‌ترین گزارش‌های وزارت خارجه‌اند که در دهه‌های میانه دو قرن پیش هیئت‌های بریتانیایی اعزامی به ایران آن‌ها را تهیه کرده‌اند. این گزارش‌ها که بین پرزیده وزارت‌خانه مذکور به‌خوبی نگهداری شده‌اند، تصویری کامل از اوضاع جغرافیایی و اجتماعی آن دوره ارائه می‌دهند. این مجموعه برگزیده که تلاش دارد به‌عنوان منبعی اولیه و وسیله‌ای سودمند از پژوهش برای پژوهشگران تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایفای نقش نماید؛ بیشتر ولایات [ایالت‌ها - استان‌ها] و مناطق وابسته به آن‌ها را دربرمی‌گیرد و در میان مطالب دیگر اطلاعاتی در مورد تجارت، محصولات کشاورزی، خراج‌ها [درآمدها]، قیمت‌ها، جمعیت و فعالیت‌ها و تحرکات نظامی برای خواننده به‌همراه دارد. همچون دیگر مجموعه‌های اسناد، به‌طور اجتناب‌ناپذیری برخی از مناطق را از قلم انداخته که قابل توجه‌ترین آن‌ها خراسان شمالی و مرکزی است) و به بعضی از جنبه‌های اقتصادی بی‌رجهی کرده است. اما با همه این‌ها، به‌استثنای کار سی. عیسوی^۱ - گزارش اقتصادی ایران بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴^۲ - (که در سال ۱۹۷۱ در شیکاگو و لندن منتشر شده است) اثر حاضر تنها ارزیابی همرا با جزئیات است که از یک دوره ویژه ارائه شده است. اگر به‌خاطر فضای محدود آن نبود، شاید گزارش‌های بیشتری که ابوت^۳ و دیگران نوشته‌اند می‌توانست مجموعه‌ای فراهم آورد که این بخش برگزیده را بیش از این تأثیرگذار و قابل درک کند. در مقدمه، کوشیده‌ام این گزارش‌ها را در منظری وسیع‌تر قرار دهم. برخی دیگر از گزارش‌های موجود مورد ارزیابی قرار گرفتند، جنبه‌های گوناگونی از گزارش‌ها، اندیشه‌ها و برداشت‌های سیاسی هیئت‌ها و کارگزاران سیاسی بریتانیا بررسی شدند و تلاش شد

1. C. Issawi

2. (The Economic History of Iran, 1800-1914)

3. K.E. Abbott [Keith Edward Abbott]

نوری بر فضای اقدامات و برداشت‌های نویسنده که همان‌گونه که عیساوی می‌گوید «یکی از آگاه‌ترین پژوهشگران اقتصاد ایران بوده است»^۱ تابانده شود. بازنگری که در آخرین قسمت انجام شده قصد دارد به تنظیم تغییرات اجتماعی - اقتصادی در یک فضای تاریخی بپردازد. تغییرات بسیار اندکی در سبک و چینش متن انجام شده است. محتوا، ساختار و اصل گزارش‌ها چنان بوده‌اند که تنها می‌شده است آن را در قالب اصلی‌اش ارائه کرد. با وجود این، در مقدمه (و یادداشت‌ها و ضمیمه‌های مربوط به آن) تلاش کرده‌ام بر کمبود ارجاعات به دیگر منابع در متن پیش رو فائق آیم. من هم ارجاعاتی به اسامی خاصی دارد و هم به موضوعات ویژه‌ای، ولی نام روستاها و مناطق کم است و کم‌اهمیت‌تر را شامل نمی‌شود. بخشی از این نقیصه، با ارائه صورتی از محتویات کتاب برطرف شده است.

عباس. ۱

مقدمه

۱

یکی از موانع عمده در مطالعه تاریخ اجتماعی و اقتصادی قرن نوزدهم ایران نهفته در ناکافی بودن منابع اولیه تحقیق است. این مشکل حتی برای دهه‌های میانی این قرن - بین سال‌های ۱۸۳۰ تا ۱۸۶۰ - بیشتر خود را نشان می‌دهد. در این دوره است که نخستین نشانه‌های تغییرات اجتماعی - اقتصادی رخ می‌نماید. تغییرات در به‌طور گسترده از سوی ناظران معاصر آن دوره یا از جانب تاریخ‌نگاران نسل‌های بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد. ریشه این تغییرات را می‌توان در نخستین برخوردهای عمده سیاسی و تجاری بین ایران و غرب و صنعتی و اقتصاد رنجور و ناتوان ایران پی گرفت. با وجود این هرگونه تلاش در زمان‌بندی دقیق و سبب‌شدۀ مرحله تکاملی اقتصاد در تمامی قرن نوزدهم مخاطره‌آمیز است. حال آنکه استمرار آماری در تولید و الگوهای مالکیت موجب می‌شود تا ارقام و آمار اقتصادی (عموماً ماندگار) پایه برای دهه‌های پایانی قرن قرار بگیرد و دیگر شاخص‌ها را در تغییر رفتار در تجارت، صنایع دستی و بالاخره کشاورزی. اگرچه نه لزوماً متریقی و پیشرفته - توجیه‌پذیر سازد.

بررسی مختصری از مطالعات و تحقیقات اخیرتر از تاریخ اجتماعی و اقتصادی دوره مذکور^(۱)، اگرچه از نظر عمق پژوهش و معیارهای پژوهشی گوناگون، نشان‌دهندۀ گسترده‌ای راه و وسیله پژوهش و برداشت‌ها و نتیجه‌گیری‌ها هستند، در عین حال از لحاظ دوره‌ای که دربرمی‌گیرند و نیز مفروضات وحدت دارند، زیرا از منابع اولیه واحدی سرچشمه می‌گیرند. آنچه را که در همه آن‌ها پذیرفته شده احساسی از غیرقابل تطابق بودن نیروهای پشتیبان اقتصاد سنتی و نیروی اروپای تجاوزگر توسعه‌طلب است. این نابرابری به‌عنوان نقطه کانونی مسئله در تمامی تفاسیری که از آن دوره می‌تواند باقی است، خواه این تفاسیر به بقای اقتصاد سنتی اشاره داشته باشند یا حتی استدلال کنند که این اقتصاد قابلیت تطبیق و تغییر دارد و می‌تواند خود را با شرایط جدید وفق

دهد. یا برعکس به این جمع‌بندی رسیده باشند که تحت فشار بیرونی به‌طور کامل فرو ریخته است. درست بهره‌برداری از همین عدم توافق برای اهداف سیاسی و تجاری است که، علی‌رغم لحن کاملاً جدا، خط مشخص بیشتر گزارش‌های بریتانیا را، و در همین راستا روسی را، در مورد اقتصاد و تجارت ایران شکل می‌بخشد.

شاید به‌خاطر همین دلیل است که این گزارش‌ها برخی از ارزشمندترین آمار و اطلاعات را در مورد نقاط ضعف و قوت اقتصاد در آن دوره زمانی ارائه می‌دهند. گزارش‌های وزارت خارجه و مجلس بریتانیا (گزارش‌ها و اسناد)^۱ در مرحله نخست، و نیز گزارش‌ها و مطالب منتشره از سوی کمپانی هند شرقی، دولت هند، بایگانی وزارت خارجه و تعداد بسیار اندکی از گزارش‌های قابل دسترس روس بزرگ‌ترین و ماندگارترین مجموعه داده‌ها را برای تمامی دوره دربردارند. مکاتبات منظم هیئت‌های تجاری، کنسول‌های بریتانیا و گزارش‌های بی‌شمار - سالانه یا با عنوان‌ها و موضوعات ویژه - به‌طور منظم به‌مرستقیم به موضوعات اقتصادی و اجتماعی پرداخته‌اند. با وجود این از همه این‌ها تنها آن‌هایی که به‌دگی قابل دسترس بوده‌اند در آثار اخیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. تجارت ایران^۲، *تاریخ اقتصادی عیسای، اقتصاد ایران*^۳، *جیلبار*^۴ و *روابط تجاری ایران و روسیه*^۵ آنتنر^۶ دربردارنده مطالب اقتصادی - اجتماعی‌اند و گوناگونی این اسناد را نشان می‌دهند. اما هنوز جای کار برای یک بررسی قانون‌مند و تجزیه و تحلیل ژرف‌تر این منابع و دیگر آثار وجود دارد.

در کنار گزارش‌هایی که ک. ای. ابوت نوشته است و با حدی به بررسی جزئیات آن پرداخته خواهد شد، در طول دههٔ چهل قرن نوزده و تا دههٔ شصت، تعداد قابل توجهی منبع وجود دارد که دیگر دیپلمات‌های بریتانیایی از جمله ادوارد بنهام^۷ (کنسول در تهران ۶ - ۱۸۴۱)، ریچارد دبلیو. استیونس^۸ و برادرش جرج ای. استیونس^۹ (به ترتیب کنسول در تبریز ۵۶ - ۱۸۴۶)، ویلیام ژ.

1. Accounts and Papers.

2. *Persian Trade*

3. Lambton

4. *The Persian Economy*

5. Gilbar

6. *Russo-Persian Commercial Relations*

7. Entner

8. Edward Bonham

9. Richard W. Stevens

10. George A. Stevens

دیکسون^۱ (کنسول در رشت از سال ۱۸۶۹)، ادوارد بی. ایستویک^۲ (۶۳ - ۱۸۶۰)، سه کارگزار در بوشهر (اس. هنل^۳ ۵۲ - ۱۸۳۱؛ ای. بی. کمبال^۴ ۶ - ۱۸۵۲ و فلیکس جونز^۵ ۶۲ - ۱۸۵۶) و هشت وزیر مختار، کاردار و منشی در سفارت (جان مک نیل^۶ ۴۲ - ۱۸۳۶؛ جاستین شل^۷ ۵۳ - ۱۸۴۲؛ فرانسیس فارانت^۸ ۵۲ - ۱۸۳۳؛ چارلز مورای^۹ ۹ - ۱۸۵۴؛ هنری راولینسون^{۱۰} ۶۰ - ۱۸۵۹؛ ویلیام تی. تامسون^{۱۱} ۷۹ - ۱۸۳۷؛ رونالد اف. تامسون^{۱۲} ۸۷ - ۱۸۴۸ و چارلز آلیسون^{۱۳} ۷۲ - ۱۸۵۷) نوشته‌اند. تمامی این‌ها اطلاعاتی را پیرامون اوضاع گوناگون اقتصاد و زندگی اجتماعی، بعضی دقیقاً به موضوع‌های تجاری و برخی دیگر با تأکید کمتری بر خود تجارت ولی پراهمیت برای درک تأثیرات سیاسی آن در بر دارند^(۷) با وجود این گزارش‌های دیپلماتیک اگرچه در ظاهر دقیق و متمرکز بر موضوعی ویژه است، اغلب فاقد درک عمه جنبه‌ای از اقتصاد هستند زیرا هدف آن‌ها تنها گزارش خبری آن جنبه‌ای از تجارت، باقی‌مانده است که می‌توانست منافع اروپا را تأمین نماید. این گزارش‌ها به تأثیرات ثانوی تجارت خارجی، پرداخته‌اند و نه شامل بحث و بررسی زیادی پیرامون تغییرات در دیگر بخش‌های اقتصاد هستند. گزارش‌های فوق دیدگاه، برداشت‌ها و نتیجه‌گیری‌هایشان را با گروهی دیگر از منابع، گزارش‌های کشورهای دیگر، اروپایی، خاطرات و دیگر مطالعات مستقل ساختار اجتماعی و اقتصادی به اشتراک دارند اما چندی که گزارش‌های رسمی در بیان تمایلات و برداشت‌های شخصی محدودترند، خاطرات و گزارش‌های گردشگران دارای نشان‌هایی روشن از علاقه‌های شخصی پدیدآورندگانشان دارند. این‌ها خود درحالی‌که نعمتی خدادادند و گاهی تصویر بسیار ارزشمندی از جنبه‌های کمتر مورد توجه قرار گرفته زندگی اجتماعی - اقتصادی ارائه می‌دهند؛ ممکن است برداشت شخصی‌تری از این مشکلات را برسانند، باشند و گاهی از ضعف

1. William J. Dickson
2. Edward B. Eastwick
3. S. Hennell
4. A. B. Kempster
5. Felix Jones
6. John McNeill
7. Justin Shell
8. Francis Farrant
9. Charles Murray
10. Henry Rawlinson
11. William T. Thomson
12. Ronald F. Thomson
13. Charles Alison

شدید ناآگاهی و تعصب پدیدآورندگان صدمه دیده‌اند. غالباً این خاطرات و گزارش‌ها مشاهدات دقیقی ارائه کرده‌اند و بعضاً اظهار نظرهای ارزشمندی پیرامون موضوع‌های خاصی در بردارند؛ ولی همراه با اعتماد به نفس و تکبر و خودبینی استعماری که مختص انگلستان دوره ویکتورین بوده است. خوانندگان امروزیین آثار فوق ممکن است ارتباط نحوه برخورد شخصی مؤلف را با موضوع مورد پژوهش آن‌ها تا آنجا که مربوط به کشف صحیح واقعیت‌ها می‌شود زیر سؤال ببرند، اما بسیار اندک هستند که بتوانند تفاوت بین پدیدآورندگان آثار کمتر طرفدارانه و روشن‌گرتر همچون جکوب ای. پولاک^(۱)؛ اوژن فلاندین^(۲)؛ آرتور گوبینو^(۳)؛ ادوارد ایستویک^(۴)، و حتی شاید بشود جیمز بایلی فریز^(۵) و استراز با افراد فوق در ارائه اطلاعات ولی نویسندگانی متعصب‌تر مانند: دلبیو، استوارت^(۶)؛ ژ. بی. فریر^(۷)؛ آر. بی. بینینگ^(۸) و سی. ژ. ویلز^(۹) را نام برد. نویسندگان دیگری هم هستند که آثارشان حاوی برداشت‌های نادرست و عجولانه است؛ یا جهانگردانی که نوشته‌هایشان بیشتر در مورد رنج‌ها و مآجرهاست تا نتایج آبل توجه به پیرامونشان. با وجود این و علی‌رغم تمامی اشتباهات یا بی‌خردی‌هایشان، اگر با دقت از نوشته‌های آن‌ها استفاده شود، اغلب تنها راهنمای خیلی از نکات مبهم و مناطق گمنام تاریخ قرن نهم هستند.^(۱۰)

اما کمبودهای منابع اروپایی را برنمی‌دارد گزارش‌های بهتر و قابل اطمینان‌تر فارسی رفع کرده‌اند، زیرا این یکی هم به سهم خویش از نبود منابع گرایانه و در همان حال بی‌تفاوتی فراگیر نسبت به رویدادهای اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برد. اگر شرایط برای به وجود آوردن چنین گزارش‌هایی فراهم و مناسب می‌بودند، اغلب در قالب آثار جغرافیا، به‌نگاشته‌ها، پدیدآورندگان آثار آن دوره - با تعداد بسیار اندکی استثنا - نتوانسته‌اند مجموعه‌ای منظر رستمندی شده از واقعیت‌ها را در مورد پیرامون خویش، و نه حتی چند گام آن طرف‌تر، ارائه دهند. علی‌حدهی، بی‌توجهی آن‌ها نسبت به تغییرات ملموس و آشکار بود - جریان‌ات پنهان که از دهه‌های میانی قرن شروع به تأثیرگذاری بر بنیان‌های زندگی اقتصادی ایران گذاشتند جای خود دارد. نه تنها به رخ‌ها و روش‌ها مداوم اموری مانند اشباع تدریجی بازارهای داخلی با کالاهای اروپایی یا تغییر در الگوهای زمینداری توجهی نشد،

1. Jacob E. Polak
2. Eugene Flandin
3. Arthur Gobineau
4. James Baillie Fraser
5. W. Stuart
6. P. Ferrier
7. Binning
8. J. Wills

بلکه تغییرات موقت چون تأثیر نوسانات بین‌المللی بر اقتصاد بومی، افت سریع صنایع دست‌ساز بومی و کمبودها و قحطی‌ها نیز در گزارش‌ها نیامده‌اند. شاید بتوان تا حدی این بی‌اعتنایی عمومی نویسندگان دوره قاجار را با بی‌کفایتی و ناشایستگی‌شان، محدودیت‌های شغلی‌شان یا نبود اسناد و مدارک اولیه توجیه کرد. شاید بخش عمده این قصور به دلیل کوچک شمردن سنتی «زندگی مادی» و نبود اندیشه سازمان‌یافته رابطه علت و معلولی باشد که بر تمامی جوامعی که براساس تفکر قضا و قدر اداره می‌شوند حاکم است.

به این ترتیب، تعداد اندک منابع فارسی مستثنی از این قانون عمومی با وجود کمبودها، دقیق بودن‌ها، بیش از فرض‌ها و تأکیدهای بی‌اساس، همه آن‌ها داشته‌هایی ارزشمند هستند که برای درک جنبه‌های گوناگون زندگی شهری، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، شخصیت‌ها و وابستگی‌های خاندانی، حرفه‌ها و اصناف، محلات شهری و محله‌ها مفیدند. به همین ترتیب اطلاعاتشان در مورد زندگی روستایی، روستاها و عشقه‌ها، زمین‌داری و کشاورزی که معمولاً برای نویسندگان اروپایی قابل دسترس نبودند نیز اهمیت است.^(۱۲)

با تعداد اندکی استثنا، بیشتر گزارش‌های ایرانی در اواخر قرن نوزدهم پدید آمدند (و برخی در دهه‌های نخستین قرن بیستم) و اغلب تحت تأثیر یا با تشویق کارگزاران عالی‌رتبه همچون محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، وزیر انتشارات (تألیفات) در دوره حکومت ناصرالدین شاه که *مرآت‌البلدان* ناصری او تلاشی نیمه تمام برای گردآوری یک کتاب جامع از تاریخ جغرافیای ایران بر مبنای گزارش‌های محلی و منطقه‌ای بود.^(۱۳) اگرچه این مجموعه برجسته که عموماً با نام مجموعه ناصری^(۱۴) شناخته می‌شود نتیجه بازنگری در یک پژوهش تاریخ‌نگاری و نقشه‌برداری بود که منبعی بسیار غنی برای مطالعه و تحقیق در دهه‌های بعدی شد، برای اطلاعات دهه‌های پیش از خودش تنها با احتیاط و دقت زیاد قابل استفاده است. این موضوع در مورد دیگر تاریخ‌های رسمی و اداری وقایع (مانند *المآثر و الآثار*)^(۱۵) که ارجاعات بسیار زیادی به رخدادها و شخصیت‌های گذشته دارند نیز صدق می‌کند. برای جبران این خطای حاشیه‌ای، گزارش‌های مستقلی مانند (بوستان *السیاحه*)^(۱۶) یا تاریخچه‌های وقایع (مثل *نسخ‌التواریخ قاجاریه*)^(۱۷) و (روضه‌الصفای ناصری)^(۱۸) مربوط به میانه قرن در حد محدودی قابل استفاده‌اند.

به این ترتیب یکی از برجسته‌ترین مطالعات از نوع اخیر مانند *فارس‌نامه ناصری*^(۱۹)، *مرآت القاسان*^(۲۰)، *جغرافیای اصفهان*^(۲۱) یا *مطلع‌الشمس*^(۲۲) علی‌رغم تمامی توجه و دقتی که نسبت به شکل‌شناسی جامعه شهری از خود نشان می‌دهند، به دلیل نداشتن دقت علمی و نظری هنگامی که به مراحل می‌پردازند که اساساً بنیان‌های جامعه‌شان را تغییر داده است، لنگ و معلول می‌مانند. نبود آمار

و ارقام رسمی در زمان خودشان موجب مشکلی مهیب برای پژوهشگران تاریخ قرن نوزدهم ایران است، زیرا برعکس اروپا، هند یا امپراتوری عثمانی، یادداشت‌های بسیار اندکی برای تاریخ‌نگاران موجود است تا دانش اولیه خویش را بر آن پایه‌گذاری کنند. تغییرات مدام در روش‌های حکومتی، پیامد اجتناب‌ناپذیر رقابت‌های داخلی، مسلم فرض کردن انحصارگری در بخش‌های حکومتی و سوء مدیریت و فساد اداری، اغلب موجب محبوس ماندن و اختصاص یافتن یادداشت‌های رسمی و اسناد عمومی برای مستوفی‌ها و فرمانروایان ولایات می‌شد که اجباری نمی‌دیدند، بلکه بسیار احساس خطر می‌کردند از اینکه «اسرار» به دست رقبا یا جانشینانشان بیفتد.^(۳۴)

با وجود این دستگاه دولتی قاجار که دچار هرج و مرج مدام و بی‌کفایتی بود، وقتی با تغییرات بسیار عظیمی مقایسه شود که در دهه‌های بیست و سی میلادی برای انتقال تمامی بنیان‌های حکومتی به یک نظام اداری متمرکز - صورت‌برداری شده از نمونه‌های غربی - شکل گرفت عملکردی بسیار کم‌اهمیت داشت. این نظام جدید نه تنها کارکرد سازمان اداری سنتی و عملکرد مالی آن را متوقف کرد، بلکه احتیاج چشمگیرتر از آن بر ثبت و ضبط‌های قضائی و حقوقی که تا آن زمان عمدتاً خارج از حیطه قدرت حکومتی بودند غلبه یافت.^(۳۵) نتیجه‌اش توقف و بالمآل انهدام مجموعه‌های عظیمی از اسناد و مدارک موجود در دست بخش عمومی و خصوصی شد که برای جامعه‌ای که از ارزش تاریخی آن‌ها آگاهی نداشت بی‌فایده می‌نمود. آنچه از اسناد رسمی، حساب و کتاب‌های مالی، فرمان‌های سلطنتی، اسناد و مدارک ابلاتی، وقف‌نامه‌ها، یادداشت‌های شخصی و خانوادگی، حساب و کتاب‌ها و اسناد تجاری باقی ماند، یا در بین مجموعه‌های خصوصی و عمومی پراکنده است - و اغلب بدون اینکه فهرست‌برداری شده و به حداقل شرایط نگهداری - یا در صندوق‌خانه‌ها و زیرزمین‌ها و انبارهای زیر شیروانی فرزندان بازه‌اندگان کارمندان حکومتی قاجار، مجتهدان و باررگانان مدفون شده‌اند. وقتی این اسناد کشف می‌شوند، یادداشتی که کمتر اتفاق می‌افتد، اغلب به سرنوشتی رقت‌انگیز دچار می‌شوند که - بسته به ارزشی که آنها دارد - یا سر از مغازه‌ها به عنوان عتیقه‌فروشی درمی‌آورند یا حراج‌خانه‌های اروپایی، یا بالاخره تا همین سال‌های بسیار اخیر، از بقالی‌ها به عنوان کاغذ بسته‌بندی. اگر گاهی توجهی به یک سند می‌شد به‌خاطر خط تحسین‌برانگیز شکسته‌اش بود یا چیزی که کمتر اتفاق می‌افتاد به‌خاطر محتوای جدال‌برانگیز که می‌توانست برای رسوا کردن یا عظمت بخشیدن شخصیت‌هایی در گذشته مورد استفاده قرار گیرد.^(۳۶)

این وضعیت مایوس‌کننده مقداری ارزش به کار آن پژوهشگران ایرانی می‌دهد که تلاش‌هایی برای جمع‌آوری و انتشار برخی از باقی‌مانده‌های این اسناد انجام داده‌اند که آغازگر آن‌ها عباس اقبال، محمدعلی جمالزاده و خان‌ملک ساسانی بوده‌اند و با قدرت و قوت بیشتر در سال‌های اخیر آن را

ایرج افشار، احمد منزوی و دیگران ادامه داده‌اند. اما هم مجموعه‌های تقریباً کوچک و پراکنده‌ای که تاکنون به آن‌ها پی برده شده و هم آن‌هایی که هنوز باقی مانده‌اند تا روزی کشف شوند نیاز به کار زیاد و نفسگیر پژوهشگرانی دارند تا حداقل بخشی به منظور رفع نقیصه تشکیل یک بایگانی ملی آن‌ها را دسته‌بندی کرده و تحلیل‌هایی قانونمند از آن‌ها بیرون دهند.

۲

این کمپایی منابع شناخته شده فارسی، وابستگی پژوهشگران قرن نوزدهم را به گزارش‌های غربی و به‌خصوص تعدادی محدود از گزارش‌های قابل اعتمادتر، که علی‌رغم کوتاهی‌های خود این منابع، باز هم ناظر امتیازهایی که مشاهده بی‌واسطه و دست اول دارد سودمند هستند، برجسته‌تر می‌سازد. نظر آن‌ها اغلب تحت تأثیر کامل علاقه‌های سیاسی یا تجاری‌شان به انحراف کشیده شده است اما این ضعف به‌شدت از ارزش آثار آن‌ها می‌کاهد؛ به‌ویژه آن‌آری که ناظران هوشیارتر خلق کرده‌اند که با معیارهای پژوهشی قرن نوزدهم بنیان‌هایی برای مطالعات بعدی اجتماعی - اقتصادی بنا نهادند.

طی دهه‌های میانی قرن نوزدهم کار را به‌مثابه ادوارد ابوت^(۳۷)، کنسول بریتانیا در تهران و تبریز بین سال‌های ۱۸۴۱ و ۱۸۶۸ انجام داد. او با یادداشت‌هایی را مخصوصاً با کیفیتی عالی به وجود آورد. در مقایسه با بیشتر همکارانش که علاقه‌شان عمده‌اً محدود به مانور دادن‌های سیاسی و دیپلماتیک بود، ابوت یک ناظر مشتاق و یک مجموعه‌ساز داد و ستد و آمار و اطلاعات اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی بود. نیازی به گفتن ندارد که او خویش را در دربار - پارچوب سیاست خارجی بریتانیای قرن نوزدهم حفظ کرد و مانند دیگر مأموران سیاسی در این کشور خوب شد. او خویش را با طراز برخورد‌ها و تعصب‌های ویژه آن دوران وفق داد. شرایط شخصی او بر رفتار منفی او نشد. مانند چنین طولانی‌مدت در جایی که وی آن را «این کشور نکبت‌بار» می‌خواند، علی‌رغم درخواست‌های مداومش از وزارت خارجه برای منصوب شدن در جای دیگر و بیماری‌هایش در مسیر سفرها موجب شدند بنویسد: ایران «کشوری است که خشنود می‌شدم، اگر از آن دوری گزیده بودم». از سوی دیگر وضع و طبیعت کارش به‌گونه‌ای بود که او را وامی‌داشت در جهت حفظ و توسعه منافع تجاری بریتانیا تلاش کند. هدفی که اگرچه بسیار تأثیرگذار در به وجود آوردن سلسله‌ای از گزارش‌های ارزشمند پیرامون تجارت و اقتصاد بود، در عین حال در ذات خویش برای ادامه حیات اقتصادی تضعیف شده ایران بود. برخی از پیشنهاد‌های ابوت به وزارت خارجه برای گسترش تجارت و ایجاد تشکیلات اقتصادی بریتانیا مأمورای محدودیت‌های پذیرفته شده آن و نیز گویای این است

که خودش را هم در دستیابی به امتیازهایی در ترقی و پیشرفت شغلی و آسایش و راحتی شخصی در نظر داشته است.

با همه این‌ها، ابوت در بیشتر نظراتی که اظهار داشته تلاش کرده است خویش را بسیار بیشتر از خیلی همقطارانش در هیئت‌های سیاسی بریتانیا دلسوز نشان دهد. او موافقی را که بر سر راه تأمین طولانی مدت اهداف بریتانیا وجود داشت و خساراتی را که اقتصاد زخم‌پذیر ایران می‌دید، اگر سیاستی تجاوزگرانه بر آن تحمیل می‌شد، شناسایی و اعلام کرد. اگر با همه این‌ها بتوان او را در طیف دید میان ویکتورین جا داد، او بیشتر به سمت لیبرالیسم گلاستون تمایل داشت تا نظرات پالمستون یا راسل. دفاع او از ایجاد امکانات برای صادرات ایران به هند بریتانیا بدون هیچ تردیدی همواره با تجارت آزاد سیاست عدم مداخله دولت در امور اقتصادی گلاستون و اداره کل تجارت [بریتانیا] اما در تضاد تشویق صنایع درونی با گمرکی کردن صنایع بیگانه بود که هنوز مورد علاقه دولت هند در دهه ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰ و معامله‌اش با ایران بود. هم بستن گمرکی بر صنایع خارجی و هم تجارت آزاد به طور یکسان اقتصاد ایران ضربه وارد می‌کرد. با وجود این پیشنهادهای ابوت برای گسترش صادرات ایران، همان‌گونه که در گزارش‌هایش آمده است، بیانگر سیاستی بسیار دورنگرتر از آنچه بود که عموماً در سیاست تجاری می‌گذشت. اکثر این گروه‌های تجاری علاقه‌مند به بهره‌برداری ستمگرانه از بازارهای مصرف ایران بودند.^(۲۸)

اگر پیش‌بینی و نگاه حرفه‌ای ابوت به عنوان یک دیپلمات دون‌پایه بریتانیا که تقریباً تمامی زندگی کاری‌اش را در خارج گذراند، در مقابل زمینه کشور میزبان و رفتار استاندارد شده دیپلمات‌ها و هیئت‌های سیاسی خارجی قرار داده شود، شاید بتوان آن را بیشتر مورد تحسین قرار داد. ابوت کارش را در اواخر دهه سی میلادی به عنوان یک کارگزار تجاری برای «مزرانت»، یک تاجر (و بعدها یک کنسول) بریتانیایی، شروع کرد که در ازبیر مستقر بود. او به این تاجر در ترابوزان، ارزروم و تبریز کار کرد. در آن زمان تجارت ترابوزان رو به پیشرفت بود.^(۲۹) ابوت همانند خیلی از همکارانش، از جمله خود برانت که در دهه سی منصب کنسول در ترابوزان را داشت، به سمت خدمت کنسولی کشیده شد، زیرا سروکارش با تجارت بود. در آن زمان این کار وزارت خارجه بود که بازرگانان بریتانیایی و کارگزاران تجاری را که در مناطق دورتر یا در مراکز بازرگانی سکونت داشتند به صورت پاره‌وقت به عنوان نمایندگان یا گاهی به صورت تمام وقت به عنوان کنسول به کار گیرد و به این ترتیب از هزینه اعزام دیپلمات‌های رسمی در این پست‌ها اجتناب ورزد.